

این بار مان هنر نو که يك مجموعه مستقل برای عرصه دیزاین است ، هم به کاریکاتورخوش آمد می گوید وهم به عنوان "انتخابات" برای طراحی تخیل آزاد وبی غش ، در زمینه های ایلوسترسیون طنز .مان هنر نو این بار به سیاست هم خوش آمد می گوید تا به نوعی متصل شود با مسائل ومفاهیم شهروند و حاکمیت سیاسی ومجموعه روابط حاکم بر آن ولي آیا مان درست خوش آمد گوئی کرده است ؟ من می گویم آری ومی افزایم که این يك آغاز است ، اما تا چرا وچطورش را بدانم وبگویم :

کاریکاتور وکارتون به روایت متدوال تبیین اطلاعات قفسه بندی شده یا به اصطلاح "ژانر" ، که بارها مکرر است که کاریکاتور از ریشه کاریکاره به معنی اغراق است که می شود کارروي چهره ، وکارتون مصورکردن يك موضوع فکاهی است ، وجای آن هم صد البته درروزنامه ودرحاشیه جدول کلمات متقاطع ، که اگر هم در مجموعه يك تماشاخانه طنز ومطایبه قرار گیرد ، مبتلایان به نشریات فکاهی را به جد وبه کمال ، ارضا ء فکر واحساس ، می کند ومن می افزایم که به ناگزیر هم از روی کسالت درهمانجا هم باقی می ماند که يك دایرة کوربسته است .

چرا ژانر بروایت متعارف ومعمول ، يك جور خود محوري فرهنگ است وتا درچاه چاله وچوله کلیشه سازی وقالب گیری فکر گیر کنیم وتمام شویم .

ژانر ، از این سمت وسو ، تنها پای کار ، مهروموم می زند که تا آن را از نظر طرز وسیاق فکر وسلیقه تملک کند . واینکه آنرا محدود ومحبوس هم می کند آن چه را که به ناچار به مثابه زندگی وبویائی ، باید درکنار دیگر معانی وموضوعات ودر بطن فرهنگ محیط وانسانی به آن نگاه شود .

زیرا که کاریکاتوریک "پروسه" فرهنگ است که خلاق است ونباید که به صورت "شيء" منجمد ومشروط شود . خطرناک آن است که راه را برپوپولیسم سیاست باز فرهنگي هموار کند که افراد وآحاد را مجموعه سبب زمینی ها ي بي اراده وبی فکر تصور می کند وکودن بودن در فرهنگ را به کودن بودن در سیاست می برد .ولي اما کاریکاتور !

يك بعد نیرومند کاریکاتور عملکرد هنر تجسمي درعصر مدرنیته است که ناگزیر با مسائل مطرح در نقد حاکمیت سیاسی درگیری می شود .

روشن بگویم کاریکاتور یعنی مدرنیته یا حرکت هنر بسوي مدرنیته ...

هنر آزاد از محدودیت ها با رسانه ها خود را به میان مردم می برد تا با ایشان در آمیزد ، زیرا ، با ماشین وتولید کلان وشبکه توزیع اجتماعي ، دیگر محصور کارگاه وبارگاه اوتورنیه شخص وطبقة خاص نیست . دیزاین گرافیک ، در پوسترها ست که جان می گیرند وکاریکاتورها می آیند کنار خبر وشبکه خبررسان ومجموعه ابزار ارتباط جمعي . وکاریکاتور، رساننده خبر وهم تفسیر خبر است که هنر را به موضوع اجتماعي مربوط می کند وموضوع اجتماعي را به آن مسلح می کند .

اینجا مسلح بودن نه يك نوع تفکر نظامي گرا یا تفکر پروپا گاندائیست ، که يك نوع تفکر از جنس فرهنگ وانسان است .

واما کاریکاتور يك پیام هنر است که به طنز مجهز است . طنز ، يك کیفیت بیان منتقد وپرخاشگر است که با مدرنیته آزاد می شود . زیرا دیگر سیاه در نمایش روحوزي ناچار به سیاه کردن چهره نیست تا آن را پنهان ومخدوش کند . وآزادی فرد وآزادی انتخاب مطرح است . وآزادی حضور فرد را درعرصه هنرهای ویژه ، کاریکاتور است که اعلام می کند . حال !

يك رسانه ، درجايهاي مختلف تاريخ وجغرافياي فرهنگ و فلسفه سياست ، امرهاي متفاوت است و بلكه با سياست هاي كلي يك سيستم سياسي نيز تعيين مي شود بدان سان كه پراودا براي تشكّل حزب انقلابي به كارگرفته مي شود زيرا كه برمحور برخورد ايدئولوژيك وانديشه منسجم و هدفدار تكيه مي كند . يا لوموند ، برپه كارگيري سيستم وشبكه هاي خبررساناي كارشناسي ومتكي برگرايش هاي مدعي مردم سالاري وخبررساناي آزاد استوار است . باز هم !

كاريكاتوريك پديده فرهنگي است . پس دركجاي ساختارفرهنگ قراردارد . كاريكاتور با تعريف شدن با محدوده ژانر ، مي تواند تشخص وهويت يابد ويا خلق بستر فرهنگي به مجموعه هنرها مربوط ومتصل شود ، وفكر سرنوشت ساز موقع ومحمل خود را پيدا كند .

كاريكاتور با واژه ((طراحي drawing)) متصل مي شود به هنرهاي تجسمي مثل نقاشي ، ومبنتي است به ارائه فكر واحساس در قالب خط وبافت وبعد وخاكستري و ... با مجموعه پيچيدگي ها ومبهمات حس وفكر وذوق ناشي از واژه پروسه خلاقيت . creationship ويا مفهوم گسترده واژه ((ديزايّن design))(يعني طرح ريزي وطرح آوري در قالب توليد ماشيني وناگزير در عرصه هاي رسانه اي ، در كنار گرافيك ، با واژه ((طنز گرافيك)) تعيين خط وربط پيدا كند . ودر ادامه مي افزايم ، طراحي طنز يك بيان بصري است كه با رسانه هم تطبيق وهم باز تعريف ، داده مي شود وهم تا خود مفهوم رسانه در مجموعه هاي كامپيوتري وشبكه اينترنت وماهواره وغيره ... با خيلي كارها كه براي مثال درهنر عكاسي ، انجام مي دهند ، خيلي زياد هم خود را هم گسترش مي دهد وهم با تئوري خاص آن ، نيرومند واساسمند مي كند ، درخيلي عرصه ها وزمينه ها از كار تبليغات تا تفریح سازي ، و در شيوه وتكنيك از تك موضوع تا مبتني بر استرپ ...وحتي درنفس تفكر وفلسفه هنر ، ... تا ...

فرم هاي تازه بياني را تجربه کرده است .

واما ، دركارها در مجموعه))انتخابات ((، انتخاب به عمل نيامده تا هم طيف ها كنارهم ويا هم ، به نمايش در آيند .

كلاژ و حرف نويسي يا شكل هاي دفرماسيون متصل به ايلوستراسيون تا حد بديهه سرايي در كنار كاريكاتور اديتوريال با شرح و بدون شرح از ريشه كاريكاره به معني اغراق ...باري

بايد كاريكاتور از محدوديت خلاص شود و خلاصي يعني كاريبشتر در زمينه خلق واكتشاف وجرات درنوانديشي ...بايد گفت در مدرنيته ، ديوارهاي شهر ، هم يك رسانه اند و ...ماهواره ها معلق وروابطه گيري هاي فراالكترونيك هم يك رسانه ديگر ...مدرنيته متكي است بر حق مردم ودر اين رسانه ها ويا اين رسانه ها مردم مطرح مي شوند ومتشكل مي شوند ومعني پيدا مي كنند . به گمان من ، نه درسياست ونه در تشكّل هاي مبتني بر سياست گذاري صرف ، بلكه در فرهنگ است كه مردم توضيح و تبیین مي شوند .

مردم از طريق رسانه برخود آشكارمي شوند وشكل مي گيرند تا مستقل از سيستم ها ونهادها ، بنابراین نه به عنوان ابزار براي حاكميت سياسي ، بلكه در اندیشه وروح كه هنر وهنرمندي است ، به نقد متداوم حاكميت سياسي بپردازند .

در))انتخابات ((يك فوروم براي اندیشه ها و روش هاي بصري برپا شده است . وحق انتخاب هم براي هنر است زيرا براي مردم است وبس . دربعلاوه منتهي))انتخابات ((كه درمان هنر نو به نمايش گذارده شده است .

داوود شهیدی